

Analytical formulation of cultural engineering based on the views of Ayatollah Khamenei

Mohammad Soheilsarv¹

Abstract

Cultural engineering is a systematic look at culture and its regulation and management, which is considered a new approach to culture. This approach, along with cultural engineering expressed by Ayatollah Khamenei, can be an effective strategy for advancing culture. The aim of this research is to achieve the formulation of this concept based on Ayatollah Khamenei's thought. Therefore, the research problem is what cultural engineering is and its analytical formulation in Ayatollah Khamenei's view. This article was conducted using documentary methods in the data collection stage and content analysis in data analysis. The research findings show that cultural engineering, from his perspective, includes five main categories: supervision, guidance, growth, nature, and construction of culture. These categories interact with each other in a cyclical and dynamic process and it is not possible to separate them. Cultural supervision means controlling and caring for cultural processes, cultural guidance means directing culture towards the major goals of the Islamic system, cultural growth means developing and promoting the intellectual and spiritual foundations of society, the nature of culture as an endogenous and quality-giving movement, and cultural construction means creating a new culture in line with the needs of society. By comparing Ayatollah Khamenei's perspective with the approaches of liberalism and socialism, this article shows that he offers an intermediate solution between the liberation and complete control of culture. This approach not only respects the preservation of cultural freedoms, but also, through intelligent guidance and supervision, places culture on the path to the goals of the Islamic system.

Keywords

Cultural engineering, cultural supervision, cultural guidance and growth, cultural construction, Ayatollah Khamenei.

¹ . Assistant Professor of Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran: soheilsarv.moham@ut.ac.ir

صورت‌بندی تحلیلی مهندسی فرهنگ براساس دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای

محمد سهیل سرو^۲

چکیده

مهندسی فرهنگ نگاهی سیستمی به فرهنگ و تنظیم و اداره آن است که رویکردی نوین به فرهنگ به حساب می‌آید. این رویکرد در کنار مهندسی فرهنگی که از سوی آیت الله خامنه‌ای بیان شده است می‌تواند به عنوان یک راهبرد برای پیشبرد فرهنگ مؤثر باشد. هدف از این تحقیق دستیابی به صورت‌بندی این مفهوم بر اساس اندیشه آیت الله خامنه‌ای است. از این رو مسئله تحقیق را چیستی مهندسی فرهنگ و صورت‌بندی تحلیلی آن در نظر آیت الله خامنه‌ای تشکیل می‌دهد. این مقاله با روش اسنادی در مرحله گردآوری داده‌ها و با تحلیل مضمون در تحلیل داده‌ها صورت پذیرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهندسی فرهنگ از دیدگاه ایشان شامل پنج مقوله اصلی است: نظارت، هدایت، رشد، ماهیت و ساخت فرهنگ. این مقولات در یک فرآیند چرخشی و پویا با یکدیگر تعامل دارند و امکان جدایی آن‌ها از هم وجود ندارد. نظارت فرهنگ به معنای کنترل و مراقبت از فرآیندهای فرهنگی، هدایت فرهنگ به معنای جهت‌دهی به فرهنگ در مسیر اهداف کلان نظام اسلامی، رشد فرهنگ به عنوان توسعه و ارتقای بنیان‌های فکری و معنوی جامعه، ماهیت فرهنگ به عنوان حرکتی درون‌زا و کیفیت‌بخش و ساخت فرهنگ به معنای ایجاد فرهنگ جدید متناسب با نیازهای جامعه است. این مقاله با مقایسه دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای با رویکردهای لیبرالیسم و سوسیالیسم، نشان می‌دهد که ایشان راه‌حلی بینابین بین رهاسازی و کنترل کامل فرهنگ ارائه می‌دهند. این رویکرد نه تنها به حفظ آزادی‌های فرهنگی احترام می‌گذارد، بلکه از طریق هدایت و نظارت هوشمندانه، فرهنگ را در مسیر اهداف نظام اسلامی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

مهندسی فرهنگ، نظارت فرهنگ، هدایت و رشد فرهنگ، ساخت فرهنگ، آیت‌الله خامنه‌ای.

^۲. استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول: soheilsarv.moham@ut.ac.ir)

۱. مقدمه و طرح مسئله

فرهنگ از مفاهیم کلان، پیچیده و پرتکراری است که از سوی اندیشمندان حوزه های مختلف علوم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. می توان گفت توافق قطعی بر تعریف یکسان از این مفهوم میان بیشتر محققان وجود ندارد. برخی آن را امری سیال و برخی ثابت می دانند. برخی آن را به حوزه ذهنیت و برخی به امور عینی مربوط می دانند. با این حال شاید نتوان هیچ مفهومی را به اندازه آن تأثیرگذار دانست. هرچند مقوله ای تأثیرپذیر نیز هست.

در یک تعریف ساده و کلی فرهنگ را به عنوان مجموعه ای از آداب و رسوم، قوانین، دین، زبان، رفتارها و ذهنیت های یک جامعه تعریف کرده اند. همین تعریف وسعت مختصات فرهنگ را نشان می دهد. امری که اگر به صورت سیستمی بررسی شود، نیازمند مدیریت سیستمی نیز است. (Tylor, 2012)

فرهنگ به دلیل ماهیت پویا و سیال خود، همواره در حال تغییر و تحول است. این سیالیت باعث می شود که کنترل و مدیریت آن توسط دولت ها به چالشی بزرگ تبدیل شود. از یک سو، رویکردهای لیبرال با تأکید بر آزادی فرهنگی، معتقدند که فرهنگ باید به حال خود رها شود تا به صورت طبیعی و ارگانیک رشد کند. (Gray, 2006) این دیدگاه بر این باور است که دخالت دولت در فرهنگ می تواند به سرکوب خلاقیت و تنوع فرهنگی منجر شود.

از سوی دیگر، رویکردهای چپ و کنترلی معتقدند که فرهنگ نیز مانند سایر حوزه های اجتماعی باید تحت نظارت و کنترل دولت باشد تا از انحرافات و تأثیرات منفی جلوگیری شود. (Aleksandrovich et al., 2020). این نگاه بر این باور است که دولت می تواند با مدیریت فرهنگ، ارزش های مطلوب را ترویج و از ارزش های نامطلوب جلوگیری کند.

مدیریت فرهنگ بیشتر بر هدایت و نظارت بر فرآیندهای فرهنگی تأکید دارد و سعی می کند با ایجاد چارچوب های مناسب، فرهنگ را در مسیر مطلوب هدایت کند. این رویکرد بیشتر جنبه ی نظارتی و تنظیمی دارد. (Khachatryan & Makaryan, 2024)

مهندسی فرهنگ اما فراتر از مدیریت است و به دنبال ایجاد تغییرات ساختاری و بنیادین در فرهنگ است. این رویکرد سعی می کند با طراحی و پیاده سازی سازوکارهای خاص، فرهنگ را به سمت اهداف مشخصی سوق دهد. این مفهوم بیشتر به مهندسی اجتماعی نزدیک است و می تواند به تغییرات عمیق و پایدار در فرهنگ منجر شود. (Fedorova, 2022).

ادعای مقاله پیش رو این است که آیت الله خامنه ای راه حلی بینابین بین دو رویکرد رهاسازی و کنترل کامل فرهنگ ارائه می دهد. این راه حل می تواند به عنوان الگویی برای نظام های سیاسی دیگر نیز مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد نه تنها به حفظ آزادی های فرهنگی احترام می گذارد، بلکه از طریق هدایت و نظارت هوشمندانه، سعی در جهت دهی به فرهنگ در مسیر اهداف کلان نظام اسلامی دارد.

این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که در نظام اسلامی، فرهنگ به عنوان یکی از ارکان اصلی حاکمیت شناخته می‌شود. قرآن کریم نیز بارها بر اهمیت فرهنگ و نقش پیامبران در هدایت فرهنگی تأکید کرده است. (نحل، ۸۹) بنابراین، نحوه مواجهه نظام اسلامی با فرهنگ می‌تواند تأثیرات عمیقی بر جامعه داشته باشد. از آنجا که دین اسلام و نظام اسلامی ماهیتی فرهنگی دارند، نحوه مدیریت فرهنگ در این نظام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر فرهنگ به درستی مدیریت نشود، ممکن است به تضعیف ارزش‌های اسلامی و انحراف از اهداف نظام منجر شود.

از سوی دیگر، اگر فرهنگ به صورت کامل تحت کنترل دولت قرار گیرد، ممکن است به سرکوب خلاقیت و تنوع فرهنگی منجر شود. بنابراین، یافتن راه‌حلی بینابین که هم به آزادی‌های فرهنگی احترام بگذارد و هم از طریق هدایت هوشمندانه، فرهنگ را در مسیر اهداف نظام اسلامی قرار دهد، از ضروریات است.

با توجه به وجود دو رویکرد متضاد در خصوص مهندسی و مدیریت فرهنگ و با عنایت به اهمیت فرهنگ به عنوان یکی از ارکان اصلی شکل دهنده هویت جوامع و نقش تعیین کننده آن در سایر جهت گیری های جامعه، از نگاه آیت الله خامنه ای چگونه باید با مقوله فرهنگ مواجه شد؟ توضیح مسئله آنکه با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و وجود دلالت های فرهنگی در آموزه های رهبران انقلاب اسلامی، نحوه مواجهه آیت الله خامنه ای با مقوله فرهنگ در حکمرانی ایشان چگونه قابل صورتبندی است؟ مهندسی فرهنگ چیست و چه مفاهیمی در این حوزه با آن مرتبط هستند؟ اداره فرهنگ در سطح حاکمیتی و دولتی چگونه باشد و جایگاه مهندسی فرهنگ در این میان چیست؟ مهندسی فرهنگ در چه سازوکاری صورت می پذیرد و چه مراحلی دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق با بررسی مهمترین آثار منتشر شده درباره موضوع تحقیق ارائه شده است:

۱. صفریگی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «نسبت مفهوم فرهنگ و تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی ایران» معتقدند مهندسی فرهنگی، از نظر آیت الله خامنه ای تلاش در جهت تقویت اجزای اصلی فرهنگ اسلامی و ملی کشور و پاسداشت آن در برابر نفوذ و تاثیر فرهنگ مخرب غربی، در پرتو چینش مناسب و تعیین جایگاه صحیح تمامی ابعاد و ویژگی های فرهنگی جامعه است. این نوشتار با هدف بررسی جایگاه فرهنگ در گفتمان آیت الله خامنه ای و نقش فرهنگ در شکل گیری تمدن نوین اسلامی است. در پژوهش حاضر، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است و برای گردآوری داده ها از روش اسنادی و کتابخانه ای بهره برده است. نتایج پژوهش نشان داده است که رابطه وثیق و معناداری میان فرهنگ و تمدن نوین اسلامی برقرار است. به گونه ای که فرهنگ در تحقق تمدن نوین اسلامی تاثیرگذار بوده است.

۲. آقاسی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل مضمون هویت فرهنگی در اندیشه آیت الله سید علی خامنه ای» با هدف شناخت هویت فرهنگی براساس دیدگاه آیت الله خامنه ای معتقدند شناخت هویت فرهنگی از موضوعاتی است که در انسجام فرهنگی و اجتماعی یک جامعه نقش بسزایی ایفا می کند. بدین منظور با تحلیل سخنان و بیانات رهبر جمهوری اسلامی تلاش نموده اند تا این مفهوم استخراج شود. این پژوهش از حیث روش، کیفی و از نوع توصیفی-اکتشافی است. داده های این مقاله با استفاده از تکنیک تحلیل اسناد جمع آوری شده اند. نمونه گیری پژوهش نیز از نوع نمونه گیری هدفمند بوده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که هویت فرهنگی مبتنی بر دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی را می توان در مضامین فراگیر در بُعد چرایی (دیانت، ارزش های اخلاقی و ارزش های دینی اسلامی)، همچنین بُعد چیستی (حمایت از مستضعفان، ایدئولوژی محوریت اسلام) و در بُعد چگونگی (تکلیف گرایی، استقلال، نخبگان و حفظ و محافظت از ماهیت انقلاب) خلاصه کرد.

۳. یوسفی و قربانی (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «فرهنگ و شکل گیری تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله العظمی خامنه ای با بهره گیری از روش تحلیل مضمون» معتقدند زمانی سیاست و اقتصاد و مسائل اجتماعی در تمدن نوین اسلامی ایفای نقش خواهند کرد که فرهنگ ناب اسلامی به عنوان پایه تمدن نوین اسلامی قرار گیرد. در این مقاله نگارندگان مترصد این هستند، با عنایت بر بیانات آیت الله خامنه ای و استفاده از مطالعات کتابخانه ای، مؤلفه ها و الزامات و ارکان فرهنگی تأثیرگذار بر شکل گیری تمدن نوین اسلامی را مورد توجه و بررسی قرار دهند. در این مقاله از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. نتایج این پژوهش نشانگر آن است که مؤلفه هایی چون دین، اخلاق، عقلانیت، علم نافع و ارکان و الزامات پیرامون آنها ضرورت دارد که مورد توجه قرار گیرد براین اساس تا زمانی که فرهنگ در جامعه به وضعیت مطلوب نرسد، ابعاد دیگر تمدن نوین اسلامی به مرحله ی تثوریک و عملیاتی نخواهد رسید.

۴. خسروی و بخشی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «بازیابی پیکره فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری» معتقدند فرهنگ مقوله ای متجانس نیست، بلکه متشکل از عناصر متعددی است، با این وجود فرهنگ انسجام خود را حفظ کرده و یک کل تجزیه ناپذیر و پویا را تشکیل داده است که در گذر زمان از دیدگاه افراد با تخصص ها و رویکردهایی متفاوت (اعم از مادی و معنوی)، با تعاریف و مفاهیمی متعدد بیان شده است. این

مقوله‌ی پیچیده و چندبعدی با بار ارزشی و علمی پررنگی که در هاله‌ای از ابهام فرورفته است، می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های مشترک بر رفتار و اندیشه‌ی اعضای یک جامعه متأثر باشد و نقطه‌ی شروعی برای حرکت و پویایی یا مانعی درراه پیشرفت به شمار آید. این محققان به این نتیجه رسیده‌اند که رهبر انقلاب فرهنگ را مقدمه‌ی خیزش و توسعه‌ی کشور می‌داند.

۵. صمدیان و شفیعی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «واکاوی مفهوم مهندسی فرهنگی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری» این مقاله به بررسی مفهوم مهندسی فرهنگی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری می‌پردازد. مهندسی فرهنگی به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ و ارتقای فرهنگ جامعه، به ویژه در مواجهه با تهاجم فرهنگی غرب، مطرح شده است. مقاله بر لزوم طراحی و اجرای نقشه‌های جامع فرهنگی، مشارکت همه‌جانبه و رعایت اصولی مانند جامعیت، آینده‌نگری و انسجام تأکید می‌کند. همچنین، مهندسی فرهنگی باید در سطوح مختلف از جمله نظام‌های آموزشی، سازمان‌ها و کشور به صورت هماهنگ و نظام‌مند انجام شود. در نهایت، هدف اصلی مهندسی فرهنگی، ایجاد تحول در جامعه و دستیابی به فرهنگ متعالی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است.

۶. فوزی و بصیرنیا (۱۳۸۷)، در اثری با عنوان «مبانی نظری دو رویکرد سلبی و ایجابی به مهندسی فرهنگی در ایران پس از انقلاب» به بررسی و تبیین مبانی نظری دو رویکرد سلبی و ایجابی به مهندسی فرهنگی در ایران پس از انقلاب پرداخته‌اند و در این زمینه، مبانی نظری این دو رویکرد به مهندسی فرهنگی، بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد این دو رویکرد به لحاظ تعریفی که از فرهنگ و مهندسی فرهنگی، انسان، نقش دولت در حوزه فرهنگ و نتیجه دخالت آن در مهندسی فرهنگی جامعه ارائه می‌دهد، با یکدیگر اختلاف مبنایی دارند.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان فرآیندی سیستمی و پویا برای تقویت فرهنگ اسلامی و ملی در برابر نفوذ فرهنگ غربی مطرح شده است. این مفاهیم در تحقیقات مختلف با تأکید بر نقش فرهنگ در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، هویت فرهنگی و ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی بررسی شده‌اند. همچنین، تفاوت‌های بین رویکردهای سلبی و ایجابی به مهندسی فرهنگی و نقش دولت در مدیریت فرهنگ نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. آنچه در این تحقیقات مطرح نظر قرار نگرفته است بررسی مراحل مهندسی فرهنگ در دیدگاه آیت الله خامنه ای و صورتبندی آن در مقایسه با رویکردهای اصلی به فرهنگ در علوم اجتماعی یعنی لیبرالیسم و سوسیالیسم است. نقطه نظری که در این مقاله سعی شده است بر آن تمرکز صورت پذیرد.

۳. تعریف مفاهیم

بررسی مهندسی فرهنگ نیازمند دقت در مفاهیم مرتبط با آن است تا تمایزات آن‌ها به دست آید. بدین منظور ابتدا مفاهیم مدیریت فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مهندسی فرهنگ به طور اجمالی ارائه شده است.

۳/۱. مدیریت فرهنگ

مدیریت فرهنگ فراگرد شناخت و استفاده از فرهنگ موجود، تغییر باورها و ارزش های ناخواسته، و از آن سو افزایش توان باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب و تثبیت فرهنگ خواسته تعریف می شود (دیویس، ۱۳۷۶: ۲۳۳). نخستین مرحله مدیریت فرهنگ هر جامعه‌ای، تدقیق معرفت به فرهنگ آن جامعه است. این مهم در دو مرحله پیش بینی شده است: شناسایی فرهنگ موجود و فرهنگ مطلوب. به عبارت دیگر پژوهشگر ابتدا بایستی فرهنگ موجود را بشناسد و در گام بعد فرهنگ مطلوب را تعریف نماید.

فرهنگ مطلوب عبارتست از فرهنگی که شامل آرمان، باور و رفتار است. به دیگر سخن فرهنگ مطلوب، مدل های رفتاری رسمی و آشکار را شامل می شود. این درحالی است که فرهنگ موجود کردارهای و کنش های موجود و آنچه ظاهراً بر اجتماع تسلط دارد را در برمیگیرد. نمونه‌های فرهنگ مطلوب و فرهنگ موجود بسیار است. به عنوان مثال مردم بعضی از رفتارها را تقبیح می کنند، اما در خلوت افراد رواج دارد. رفتارهایی مانند عبور از چراغ قرمز، عدم اعتنا به مقررات راهنمایی و رانندگی، احتکار اجناس از جمله این مواردند. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲)

۳/۲. مهندسی فرهنگی

مهندسی فرهنگی در دانش مدیریت و فرهنگ واژه‌ای نسبتاً بدیع است و در بیانات آیت الله خامنه ای در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۲۶ و در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به کار رفته است. پیش‌ازاین اندیشمندانی از واژه مهندسی انسان استفاده کرده‌اند؛ اما واژه مهندسی فرهنگی جدید به نظر می‌آید. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷) مهندسی فرهنگی به معنای هندسی بودن فرهنگ نیست و اعتبار مهندسی برای ساماندهی و هدایت فرهنگی از آن‌روست که مهندس به تصرف در وضعیت موجود، برای ساختن یا مرمت یا بهبود امر فرهنگی می‌پردازد و این کار را بر اساس قواعد کلی حرکت (نظام ارزشی جامعه) انجام می‌دهد. مهندسی فرهنگی را نظامی مبتنی بر فرهنگ، قواعد و هندسه طراحی و مهندسی قلمداد نموده اند. مهندسی فرهنگی دارای نظامی با استانداردهای «نظام‌مهندسی فرهنگی» است. با این استانداردها می توان به طراحی و مدیریت لایه های نظام اداری دست یافت. مهندسی سیستم فرهنگی به معنای طراحی، نوسازی و بهسازی این سیستم اعم از طراحی و نوسازی و بهسازی ورودی، خروجی، فرایند و بازخور است. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷)

با در نظر گرفتن نظامات پارسونزی در جامعه شامل نظام های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خروجی های آنها هم مهندسی فرهنگ، مهندسی سیاست، مهندسی اقتصاد و مهندسی اجتماع خواهد بود. اما چون فرهنگ، بستر شکل گیری سایر سیستم های دیگر است به همین دلیل، نظام فرهنگی باید بر سایر نظامات مؤثر باشد تا فرآیند برعکس رخ دهد. بنابراین سایر نظامات باید با نگرش فرهنگی مهندسی شود. چنین مهمی مهندسی فرهنگی کشور تلقی می شود. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷)

با توجه به اینکه در نگرش سیستمی، همه مقولات، به صورت یک نظام شبکه ای در نظر گرفته می شوند و همه آنها متعامل با یکدیگرند بنابراین، مهندسی فرهنگی نظامات نیز متعامل با یکدیگرند. همین طور مدیریت فرهنگی سیستم ها طبقه بندی شده و در تعامل با یکدیگر خواهد بود. وضعیت کاملاً متعادل همه سیستم ها و نظام ها برای رشد و تعالی انسان ها آن است که مهندسی و مدیریت فرهنگی بر همه آنها حاکم بوده و در تعامل مؤثر و سازنده ای نسبت به هم قرار داشته باشند (ناظمی اردکانی و همکاران، ۱۳۸۶).

در مجموع مهندسی فرهنگی به معنی مهندسی سیستمی با نگاه فرهنگی به سایر نظامات و اجزای مختلف یک سیستم است و صرفاً مهندسی به نظام فرهنگ نیست آنگونه که در مهندسی فرهنگ بدان پرداخته می شود.

۳/۳. مهندسی فرهنگ

مهندسی فرهنگ را در دو مقوله تفکر فرهنگی و سیستمی باید جستجو نمود. در تفکر سیستمی عمده توجه به شناخت اجزاء، تشخیص روابط و برقراری روابط منطقی آنها معطوف میشود؛ اما در تفکر فرهنگی، نسبت شناخت اجزا و عناصر فرهنگ در سطوح و لایه های مختلف اعم از جهانی، ملی، تخصصی، سازمانی و ... بررسی می شود. (ناظمی اردکانی و همکاران، ۱۳۸۶) بنابراین مهندسی فرهنگ عبارتست از معرفت دقیق بر اجزا و ارکان فرهنگ در سطوح و ابعاد مختلف آن با معین نمودن روابط سیستمی اجزا و عناصر فرهنگ و چینش متوازن آنها به گونه ای که نظام فرهنگی منجر به انجام صحیح امور شود. (فرهی، ۱۳۸۵، نخستین همایش مهندسی فرهنگی کشور).

از اینرو در مهندسی فرهنگ عمده توجه به فرهنگ جامعه با هدف شناخت اجزاء و روابط بین آنها با قابلیت بازسازی و بازطراحی مطابق اهداف مورد انتظار است. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۵، تحلیلی بر بیانات مقام معظم رهبری) در تعریف دیگری از مهندسی فرهنگ آمده: مهندسی فرهنگ عبارتست از نوسازی و بازسازی فرهنگ موجود، شناختن ضعفها و کندی ها و معارضات آن و برطرف کردن آنها. (ناظمی اردکانی و همکاران، ۱۳۸۶)

در مجموع می توان مهندسی فرهنگ را فرایند آگاهانه تهذیب و تنقیح، تنسيق و صورتبندی، ارتقاءبخشی و ترفیع، روزآمدسازی و کارآمدسازی فرهنگ ملی براساس آسیب شناسی و سنجشگری علمی و معطوف به مبانی و مبادی پذیرفته و مقتضیات بومی و جهانی تعبیر نمود. به عبارت دیگر طراحی، نوسازی، بازسازی سیستم فرهنگ، مهندسی فرهنگ است. فرهنگ خود یک سیستم است و دارای مجموعه ای از مؤلفه ها و متغیرها است، که در سه لایه

مفروضات اساسی، ارزشها و نمادها و رفتارها دسته بندی میشوند. این مجموعه مؤلفه ها و متغیرهای موجود در سیستم فرهنگ باید هرکدام در جای خود ایفای نقش نموده و در تعامل با سایر اجزاء باشند.

۴. چارچوب نظری

در این بخش چارچوب نظری پژوهش در قالب دو دیدگاه آزادی فرهنگ مبتنی بر لیبرالیسم و کنترل فرهنگ مبتنی بر سوسیالیسم عرضه شده است.

۴/۱. فرهنگ و لیبرالیسم

خاستگاه نگرش لیبرالیسم به فرهنگ را می توان در بنیان های فکری نظام سرمایه داری ردیابی کرد. موضوعی که با تغییر در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و با توجه به بحران های به وجود آمده پس از جنگ جهانی دوم مرتبط است. از اینرو توان دولت ها در اداره ی امور با مشکلات زیادی مواجه شد. از اواخر قرن بیستم، با رواج یافتن ایده ی واگذاری وظایف دولتی به بخش خصوصی، این روند در برخی کشورها شتاب بیشتری گرفت. در این چارچوب فکری که به خصوص با افکار فون هایک شناخته می شود، اعتقاد بر این است که دولت در حوزه ی فرهنگ نیز باید تنها به عنوان یک واسطه عمل کند و از مداخله ی مستقیم در امور فرهنگی پرهیز نماید.

هایک بر این باور است که تلاش برای بازسازی جامعه بر اساس برنامه ریزی های عقلانی، امری بی حاصل و غیرممکن است. او استدلال می کند که نظم موجود در جامعه نتیجه ی یک طراحی آگاهانه نیست، بلکه به صورت «طبیعی» و خودبه خود شکل می گیرد. هایک دو گونه عقلانیت را از هم متمایز می کند: «عقلانیت برنامه ریزی محور» و «عقلانیت تکاملی». او عقلانیت برنامه ریزی محور را رد می کند، زیرا این نوع عقلانیت بر این فرض استوار است که می توان جامعه را به طور کامل درک کرد و آن را هدایت نمود، در حالی که این ایده پایه ی تفکر سوسیالیستی برنامه ریزی محور است. در مقابل، عقلانیت تکاملی بر این تأکید دارد که نهادهای اجتماعی به صورت تدریجی و خودبه خود تکامل می یابند. هایک مفهوم نظم طبیعی را در دو زمینه به کار می برد: اول، در مورد نهادهای اجتماعی که اگرچه توسط انسان ها ایجاد می شوند، اما نتیجه ی یک طراحی آگاهانه نیستند و نیروی ناخودآگاه در شکل گیری آنها دخیل است؛ و دوم، در مورد فرآیند انتخاب طبیعی میان سنت های رقیب، که تکامل فرهنگی نتیجه ی همین فرآیند است. (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۰)

نظم طبیعی را مرتبط با بازار آزاد بایستی در نظر گرفت. بازار به مثابه سازمانی خودبنیاد تلقی می شود که بر افراد تسلط دارد. هایک قائل به آن بود که اقتصاد به سان سازمان های ساختگی مانند ارتش نیست و نباید این دو نوع سازمان را بایکدیگر مقایسه نمود. (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۵) به عبارت دیگر، در این دیدگاه نظم اجتماعی بدو کنترل و عزم و اراده انسان خود به خود شکل می گیرند و دخالت در آنها جایز نیست. (پولادی، ۱۳۸۳: ۱۰۵)

کارل ریموند پوپر نیز نظریه های کل نگر را که ادعای کشف اصول کلی برای ساختار جامعه دارند، مورد انتقاد قرار می دهد. (پولادی، ۱۳۸۳: ۱۲۷) پوپر رویکردهای کلیت بخش را که طراحی جامعی از جامعه ارائه می دهند و مهندسی اجتماعی کلی از جامعه را پیشنهاد می دهند در زمره دشمنان جامعه باز می بیند. برای پوپر، سه جهان وجود دارد: جهان اشیاء و پدیده های مادی؛ جهان بین الازدهانی و جهان محصولات عینی ذهن و عقل انسان، مانند زبان، ادبیات، هنر و ... جهان متاخر حاصل تلاش های انسانی است، ولی با قید این نکته که بر اساس آزمون خطا به دست آمده نه با طراحی از پیشی. (بشیریه، ۱۳۷۹: ۶۴)

به اعتقاد پوپر چون مهندسی اجتماعی کل نگرانه به سمت بازسازی کلی جامعه حرکت می کند معمولاً با مقاومت های گسترده ای مواجه می شود، چرا که با منافع گروه های اجتماعی موجود در تضاد قرار می گیرد. در نتیجه، متولیان مهندسی اجتماعی به سرکوب مخالفان روی می آورند. (پوپر، ۱۳۹۶) بنابراین، پوپر مهندسی اجتماعی تدریجی را پیشنهاد می دهد. بر اساس این نظریه، به جای تلاش برای بازسازی کلی جامعه، باید به رفع تدریجی و گام به گام مشکلات جامعه پرداخت، زیرا افراد به جزئیات زندگی اجتماعی اشراف کامل ندارند و جامعه همواره در حال تغییر و تحول است. (جهان بین، ۱۳۹۸: ۴-۶)

۴/۲. کنترل فرهنگ

در مقابل نظریه ی رهاسازی فرهنگ، دیدگاه توتالیتار با پذیرش امکان مدیریت فرهنگ و تأکید بر ضرورت آن وجود دارد که به مدیریتی تمام عیار با سلب آزادی و اختیار بشری و نیز به همسان سازی اجتماعی اعتقاد دارد. کنترل فرهنگ به مجموعه اقدامات و سازوکارهایی اطلاق می شود که از سوی نهادها یا قدرت های مرکزی (مانند دولت، نهادهای مذهبی، یا گروه های ذی نفوذ) برای هدایت، تنظیم یا محدود کردن فرآیندهای فرهنگی در یک جامعه انجام می گیرد. این کنترل می تواند به شکل های مختلفی اعمال شود، از جمله از طریق سیاست گذاری های فرهنگی، قوانین، رسانه ها، آموزش و پرورش، هنر، و حتی فناوری های نوین. هدف اصلی کنترل فرهنگ، ایجاد تغییرات مطلوب در ارزش ها، هنجارها، رفتارها و نمادهای فرهنگی است تا به اهداف کلان سیاسی، اجتماعی یا ایدئولوژیک دست یابد (آشوری، ۱۳۷۶: ۲۴۱)

چنانچه از ویژگی های فوق نمایان است، دولت فراگیر می خواهد با اعمال زور یا مشابه سازی آموزش و کنترل موارد هنری و ادبی و همچنین تسلط بر رسانه ها جامعه ای همسان شده و در راستای منافع خود ایجاد نماید. چنانچه مارکس در ایدئولوژی آلمانی معتقد است: «نظرات طبقه ی حاکم در همه ی عصرها نظرات حاکم اند، یعنی این طبقه ی اجتماعی که ابزار و تولید مادی را در دست دارد، در عین حال به ابزار تولید تفکر هم تسلط دارد و در نتیجه، نظرات کسانی که ابزار تولید تفکر را ندارند به طور کلی تابع آن است.» (استریناتی، ۱۳۸۰: ۱۸۲)

از اینرو کنترل فرهنگ فرآیندی پیچیده و چندبعدی است که می تواند به عنوان ابزاری برای هدایت جامعه به سمت اهداف خاص استفاده شود. با این حال، این کنترل همواره با چالش هایی مانند سرکوب خلاقیت، خطر استبداد فرهنگی و مقاومت اجتماعی همراه است.

۵. روش تحقیق

روش هر تحقیقی با توجه به هدف محقق آن مشخص می شود. از آنجاکه تحقیق حاضر ناظر به مهندسی فرهنگ در سخنان آیت الله خامنه ای است از اینرو از روش تحلیل مضمون که از جمله روش های تحلیل متن است و در رویکرد کیفی قرار می گیرد، بهره گرفته شده است.

تحلیل مضمون، اعم از تحلیل محتوا (کمی و کیفی)، تحلیل گفتمان، تحلیل مکالمه، تحلیل روایت و تحلیل نشانه شناختی، از مهم ترین رویکردهای روش شناختی در علوم اجتماعی است که در دو قالب تحقیقات توصیفی یا تبیینی مورد استفاده ی محققان اجتماعی قرار گرفته است. (مهرآیین، ۱۳۹۱: ۲۱)

تحلیل مضمون، تحلیلی مبتنی بر داده ها و کدگذاری آن هاست که با داده های تولید شده توسط محقق ارتباط دارد. بازخوانی مکرر داده ها و نوشتن، بخش اصلی این روش است. نوشتن برخلاف سایر روش های کمی در انتهای کار انجام نمی شود بلکه از همان ابتدا محقق درگیر تحلیل می شود. انجام کدگذاری همزمان با نوشتن و تحلیل صورت می گیرد. در روش های کیفی مانند تحلیل مضمون دستورالعمل های دقیق و مبتنی بر قواعد خاص وجود ندارد و هر محقق مبتنی بر مسئله و هدف تحقیق از قواعد استفاده می نماید (براون و کلارک^۳، ۲۰۰۶: ۸۶-۸۷).

ردیف	مرحله	توصیف فرآیند
۱.	آشناسازی محقق با داده های خویش	خوانش و دوباره نویسی داده ها، یادداشت ایده های اولیه
۲.	تولید کدهای اولیه	کدگذاری همه داده ها بر اساس روشی سامانمند و مبتنی بر ویژگی های موردعلاقه محقق، مقابله و تطبیق دادن داده های مرتبط با هر کد
۳.	جستجوی مضامین	تطبیق کدها با مضامین بالقوه، گردآوری همه داده های مرتبط با هر مضمون بالقوه
۴.	مرور مضامین	بررسی این که اگر مضامین نسبت به خلاصه های کدگذاری

³ Braun & Clarke

شده و همه مجموعه داده ها هماهنگی و تطابق دارند آنگاه یک نقشه تحلیلی مضمون بنیاد ایجاد شود.		
تحلیل مستمر به منظور پایش ویژگی های خاص هر مضمون و در به طور کلی بیان داستان وار تحلیل، خلق تعاریف واضح و نام گذاری برای هر مضمون	تعریف و نام گذاری مضامین	۵.
حسب طوفان ذهنی در گروه تحقیق	اعتبار بخشی نتایج	۶.
این مرحله فرصتی نهایی برای تحلیل است. این مرحله شامل انتخاب و گزینشی مشخص، نمونه های خلاصه شده گیر و جذاب، تحلیل نهایی خلاصه های انتخاب شده، شرح ارتباط بین تحلیل صورت گرفته با سؤالات و ادبیات تحقیق، خلق گزارشی محققانه و تحلیلی است.	تدوین گزارش	۷.

جدول ۱. مراحل شش گانه اجرای روش تحلیل مضمون (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۱۷)

در روش تحلیل مضمون، مفاهیم، ایده های فرعی و ایده های اصلی یک متن شناسایی می شوند تا در نهایت به برداشتی کلی از ایده محوری نویسنده دست یافت. در این پژوهش، ابتدا سخنرانی های مرتبط با موضوع مورد بررسی از مجموعه بیانات آیت الله خامنه ای استخراج گردید. نمونه های مورد مطالعه به صورت هدفمند از میان تمامی سخنرانی های ایشان در حوزه های فرهنگ و مهندسی فرهنگ انتخاب شدند. پس از بررسی مکرر این بیانات، گزاره های کلیدی استخراج و در جدولی سازمان دهی شدند. سپس، با مرور چندباره این گزاره ها، کدهایی به آن ها اختصاص داده شد. در ادامه، با تحلیل مجدد کدها، مضامین کلی تری برای هر یک از آن ها تعیین گردید. در نهایت، با تکمیل فرآیند تحلیل، مضامین سازمان دهنده و پایه ای مرتبط با مضمون اصلی مهندسی فرهنگ شکل گرفتند.

۶. یافته های تحقیق

در این بخش یافته های تحقیق در دو قسمت توصیف یافته ها و تحلیل یافته ها ارائه گردیده است:

۶/۱. توصیف یافته ها

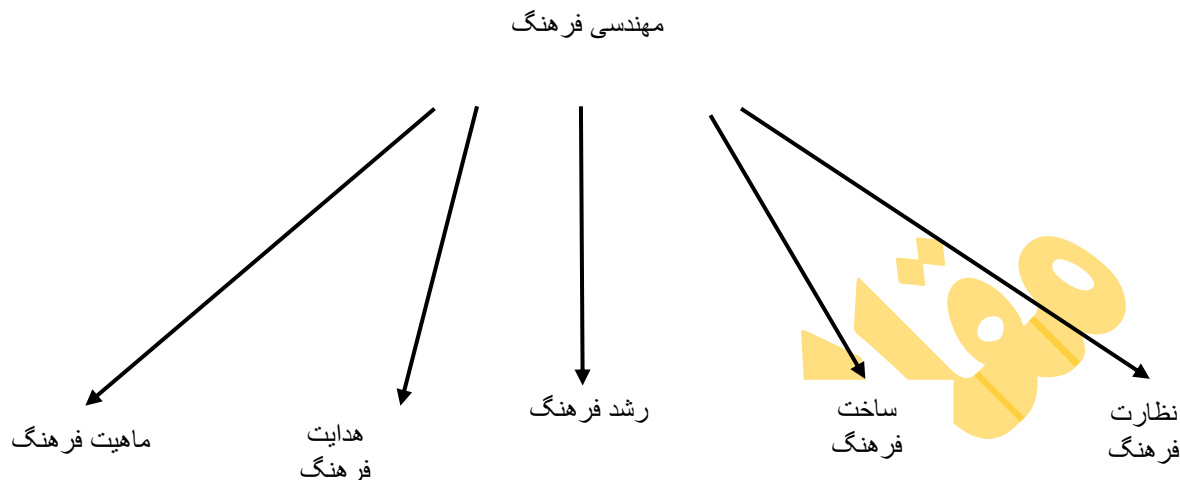
یافته های این تحقیق در قالب جدول ارائه مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه در ذیل ارائه داده شده است:

جدول ۱ مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه مهندسی فرهنگ در بیانات آیت الله خامنه ای

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
نظم و جهت گیری در فرهنگ	هدایت فرهنگ	مهندسی فرهنگ

		تصویر وضع فرهنگی مطلوب کشور
		امکان تغییر فرهنگ در طول زمان
		مهندسی فرهنگ؛ نگاه کلان به مباحث فرهنگ
		مهندسی فرهنگ؛ قله تصمیم گیری فرهنگ
		فرهنگ منشأ تحولات ملت
		فضای فرهنگی بستر تصمیم حکومتی
		ویژگی های جامعه مطلوب/ معنای مهندسی فرهنگی
		لزوم برنامه ریزی فرهنگی
		سرمایه گذاری بر فرهنگ سرمایه گذاری بر عقلیت جامعه
		مدیریت فرهنگ در برابر هرج و مرج فرهنگ و استبداد فرهنگ
		اقطاب اثرگذار فرهنگ؛ حکومت، نخبگان و ...
		فرهنگ اساس است
		فرهنگ صحیح شرط آزادی، رفاه و رشد اقتصادی
	ساخت فرهنگ	عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ یک ملت
		فرهنگ اساس هویت جامعه
		فرهنگ صحیح بستر دستیابی به اهداف
		فرهنگ ساختنی است/ فرهنگ امری قابل تغییر/ تمایل فرهنگ و تولید
		فرهنگ/ فرهنگ امری مرتبط با احساس نه امری عقلانی
		تعریف مهندسی فرهنگ؛ مشخص کردن چگونه بودن فرهنگ و رفع
		نواقص و معارضات آن
	رشد فرهنگ	فرهنگ مایه اصلی هویت ملت ها
		ویژگی فرهنگ/ رشد و کنترل فرهنگ
		سازوکار انجام مهندسی فرهنگ
		فرهنگ صحیح همسان با مبانی اسلامی و عقل است
		باغبانی فرهنگ
		نوع برخورد با فرهنگ؛ نگاه معقول اسلامی نه رهاشدگی و نه
		سختگیری فرهنگی
	نظارت فرهنگ	مهندسی فرهنگ؛ حراست و حفاظت/ فرهنگ جامعه یک حقیقت
		است
		دست محافظ فرهنگ
		فرهنگ فضای تنفسی جامعه

		تعریف مهندسی فرهنگ؛ هندسه حاکم بر هویت فرهنگی
		معنای مدیریت فرهنگی؛ ضابطه گذاری فرهنگی
		مسئولیت فرهنگی دولت / مواد مخدر فرهنگ (فرآورده های فرهنگی هر چه خواست تولید و عرضه شود)
		فرهنگ ستون فقرات ملت
		فرهنگ امری قابل تغییر
		فرهنگ شامل مظاهر فرهنگی و باطن فرهنگی
	ماهیت فرهنگ	تعریف فرهنگ؛ حرکت درونزا و کیفیت بخش
		فضای فرهنگی تحمیل کننده خود بر رفتارها و ...
		فرهنگ ذهنیت و عقلیت جامعه
		فرهنگ به مثابه خوراک معنوی
		فرهنگ روح در کالبد جامعه؛ جایی نسبت که فرهنگ نباشد
		فرهنگ منشأ تحولات ملت
		فرهنگ اعم از مظاهر و باطن فرهنگی است



شکل 1 شبکه تحلیل مضامین مهندسی فرهنگ در بیانات آیت الله خامنه ای

۶/۲. تحلیل یافته ها

بر اساس تحلیل مضمونی انجام شده و داده های ارائه شده در جدول ۲، می توان به این نتیجه رسید که مهندسی فرهنگ از دیدگاه آیت الله خامنه ای دارای ابعاد چندگانه و پیچیده ای است که از یک نگرش تک بعدی به فرهنگ فاصله گرفته است. این ابعاد شامل رشد فرهنگ، هدایت فرهنگ، نظارت فرهنگ و ساخت فرهنگ می شود. در ادامه، هر یک از این ابعاد به تفکیک تحلیل می شوند:

۱. رشد فرهنگ

رشد فرهنگ یکی از اهداف کلیدی مهندسی فرهنگ از دیدگاه آیت الله خامنه ای است. ایشان فرهنگ را به عنوان یک پدیده پویا و زنده می دانند که نیازمند توسعه و ارتقای مستمر است. این رشد تنها به معنای گسترش مظاهر فرهنگی مانند هنر، ادبیات، و رسانه نیست، بلکه شامل تقویت بنیان های فکری، عقلی، و معنوی جامعه نیز می شود. به عبارت دیگر، رشد فرهنگ به معنای ایجاد یک هویت فرهنگی مستحکم است که بتواند در برابر تهاجمات فرهنگی مقاومت کند و در عین حال، پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. آیت الله خامنه ای در بیانات خود بر این نکته تأکید کرده اند که فرهنگ باید به سمتی حرکت کند که به فرهنگ مطلوب برسد. این فرهنگ مطلوب، فرهنگی است که مبتنی بر ارزش های اسلامی و انقلابی باشد و بتواند به رشد و تعالی جامعه کمک کند. "اگر فرهنگ قوی و غنی وجود نداشته باشد، تمدن به معنای مصطلح و رایج خودش به وجود نمی آید". (خامنه ای، ۱۳۹۸) به عبارت دیگر رشدی بدون داشتن فرهنگ مطلوب رخ نمی دهد تا به تمدن برسد. می توان گفت ایشان معتقدند فرهنگ صحیح شرط آزادی، رفاه و رشد اقتصادی است. از

اینرو رشد فرهنگ نه تنها به معنای توسعه فرهنگی، بلکه به معنای ایجاد بستر مناسب برای پیشرفت در سایر حوزه‌ها مانند اقتصاد و سیاست نیز هست.

۲. هدایت فرهنگ

هدایت فرهنگ به معنای جهت‌دهی به فرآیندهای فرهنگی است تا فرهنگ جامعه به‌سمتی حرکت کند که با اهداف کلان نظام اسلامی همخوانی داشته باشد. این بعد از مهندسی فرهنگ نشان می‌دهد که فرهنگ نمی‌تواند به حال خود رها شود، بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و جهت‌دهی است. آیت‌الله خامنه‌ای بر این نکته تأکید دارند که هدایت فرهنگ باید به گونه‌ای باشد که موانع فرهنگی از بین برود و فرهنگ جامعه به‌سمت ارزش‌های اسلامی و انقلابی سوق داده شود. ایشان "فرهنگ را منشأ تحولات ملت می‌دانند" (خامنه‌ای، ۱۳۹۰) بنابراین هدایت فرهنگ می‌تواند به ایجاد تحولات مثبت در جامعه منجر شود و نقش کلیدی در پیشرفت کشور ایفا کند. هدایت فرهنگ نیازمند یک برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه است. هدایت فرهنگ نیازمند مشارکت همه‌جانبه مردم، نخبگان، و حکومت است.

۳. نظارت فرهنگ

نظارت فرهنگ به معنای کنترل و مراقبت از فرآیندهای فرهنگی است تا از انحرافات فرهنگی جلوگیری شود. این بعد از مهندسی فرهنگ نشان می‌دهد که فرهنگ نیازمند یک سیستم نظارتی است تا بتواند در مسیر درست حرکت کند. آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که نظارت فرهنگ نباید به معنای سرکوب یا محدودیت‌های بی‌دلیل باشد، بلکه باید به گونه‌ای باشد که فرهنگ جامعه را از آسیب‌ها و تهدیدات فرهنگی محافظت کند. مدیریت فرهنگ در برابر هرج و مرج فرهنگ و استبداد فرهنگ ضروری است. (جهان بین، ۱۳۹۷) از اینرو، نظارت فرهنگ باید به گونه‌ای باشد که از یک سو، از هرج و مرج فرهنگی جلوگیری کند و از سوی دیگر، از استبداد فرهنگی نیز جلوگیری کند.

۴. ساخت فرهنگ

ساخت فرهنگ به معنای ایجاد و تولید فرهنگ جدید است که با نیازها و شرایط جامعه همخوانی داشته باشد. این بعد از مهندسی فرهنگ نشان می‌دهد که فرهنگ نمی‌تواند تنها به حفظ وضعیت موجود بسنده کند، بلکه نیازمند نوآوری و تولید فرهنگی است. از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استنباط می‌شود که ساخت فرهنگ باید به گونه‌ای باشد که با مبانی اسلامی و عقلانی همخوانی داشته باشد و بتواند به رشد و تعالی جامعه کمک کند. فرهنگ ساختنی است و فرهنگ امری قابل‌تغییر است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳) از اینرو ساخت فرهنگ یک فرآیند پویا و مستمر است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه است.

۵. ماهیت فرهنگ

در منظومه فکری آیت الله خامنه ای، فرهنگ به مثابه هویت زنده و پویای یک تمدن تعریف می شود که دارای دو بُعد متکامل مظاهر فرهنگی (نمادهای عینی) و باطن فرهنگی (شاکله های معنایی) است. ایشان فرهنگ را نه مجموعه ای ایستا، بلکه حرکتی درونزا و کیفیت بخش می دانند که همچون اکوسیستمی زنده، فضایی تحمیل گر می آفریند و به صورت نامحسوس بر رفتارهای فردی و اجتماعی سایه می افکند. از منظر معظم له، فرهنگ ذهنیت و عقلیت جامعه را شکل می دهد و به مثابه خوراک معنوی، تغذیه کننده روح جمعی است. تأکید ایشان بر این نکته بنیادین است که فرهنگ روح در کالبد جامعه محسوب می شود؛ همان گونه که جسم بی روح فاقد حیات است، جامعه ای که از فرهنگ اصیل تهی شود، به موجودی بی هویت تبدیل می گردد. به عبارت دیگر ایشان معتقدند "فرهنگ مجموعه ی عناصر سازنده ی فکر و عمل انسان؛ این فرهنگ است". (خامنه ای، ۱۳۹۸) این دیدگاه، فرهنگ را مادر تحولات ملت می داند که هم بر سیاست و اقتصاد تقدم رتبی دارد و هم شامل ابعادی فراتر از مظاهر سطحی می شود؛ چرا که باطن فرهنگی (شامل باورها، ارزش ها و انگاره های بنیادین) زیرساخت هرگونه تغییر اجتماعی است. این نگاه جامع، فرهنگ را به عنوان محور توسعه حقیقی و تمدن سازی نوین اسلامی معرفی می کند.

۶/۳. تطبیق یافته های با چارچوب نظری تحقیق

با توجه به تحلیل مفاهیم به دست آمده از مهندسی فرهنگ در این بخش مقایسه ایی بین چارچوب نظری تحقیق با یافته های به دست آمده از مهندسی فرهنگ در بیانات آیت الله خامنه ای ارائه شده است تا شباهت ها و تفاوت های آنها مشخص شود.

۱. لیبرالیسم و فرهنگ

لیبرالیسم بر اساس فلسفه ی سرمایه داری و فردگرایی شکل گرفته است. در این دیدگاه، فرهنگ به عنوان یک پدیده ی خودجوش و طبیعی در نظر گرفته می شود که نیاز به دخالت دولت ندارد. فردریش هایک، یکی از نظریه پردازان اصلی لیبرالیسم، معتقد است که نظم اجتماعی و فرهنگی به صورت خودجوش و بدون نیاز به برنامه ریزی عقلانی شکل می گیرد. او از مفهوم نظم خودجوش استفاده می کند و معتقد است که بازار آزاد بهترین نمونه ی این نظم است. کارل پوپر نیز با نقد کل گرایی و مهندسی اجتماعی کل نگر، از مهندسی اجتماعی تدریجی دفاع می کند. او معتقد است که تغییرات فرهنگی باید به صورت جزئی و تدریجی انجام شود تا از سرکوب و اقتدارگرایی جلوگیری شود.

در لیبرالیسم، دولت نقش حداقلی در فرهنگ دارد و بیشتر به عنوان یک واسطه عمل می کند. دولت نباید در فرهنگ دخالت کند، بلکه باید فضایی را فراهم کند که فرهنگ به صورت طبیعی رشد کند. لیبرالیسم مخالف هرگونه برنامه ریزی کلان فرهنگی است و معتقد است که فرهنگ باید از طریق تعاملات آزاد افراد و نهادهای جامعه شکل بگیرد.

۲. سوسیالیسم و فرهنگ

سوسیالیسم بر اساس فلسفه‌ی جمع‌گرایی و عدالت اجتماعی شکل گرفته است. در این دیدگاه، فرهنگ به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. مارکس و نظریه‌پردازان سوسیالیست معتقدند که فرهنگ تحت تأثیر روابط اقتصادی و طبقاتی است. فرهنگ در خدمت طبقه‌ی حاکم است و برای حفظ سلطه‌ی آن طبقه استفاده می‌شود. در سوسیالیسم از مهندسی اجتماعی کل‌نگر دفاع می‌شود و پیروان آن معتقدند که دولت باید به صورت فعال در فرهنگ دخالت کند تا جامعه را به سمت اهداف عدالت‌خواهانه هدایت کند.

در سوسیالیسم، دولت نقش فعال و کنترل‌کننده در فرهنگ دارد. دولت باید فرهنگ را به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند هدایت کند تا به اهداف اجتماعی و اقتصادی خود برسد. سوسیالیسم مخالف رهاسازی فرهنگ است و معتقد است که فرهنگ باید در خدمت تحولات اجتماعی و اقتصادی قرار گیرد.

۳. دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و مهندسی فرهنگ

دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی فرهنگ بر اساس مبانی اسلامی و انقلابی شکل گرفته است. ایشان فرهنگ را به عنوان یک پدیده‌ی پویا و زنده می‌دانند که نیازمند رشد، هدایت، و نظارت است. براساس تحلیل مضمون دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ باید به سمتی حرکت کند که با ارزش‌های اسلامی و انقلابی همخوانی داشته باشد. فرهنگ صحیح شرط آزادی، رفاه، و رشد اقتصادی است. آیت‌الله خامنه‌ای از مهندسی فرهنگ دفاع می‌کنند و معتقدند که فرهنگ نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه است. این مهندسی فرهنگ شامل رشد فرهنگ، هدایت فرهنگ، نظارت فرهنگ، ماهیت فرهنگ و ساخت فرهنگ است.

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، دولت نقش فعال و هدایت‌کننده در فرهنگ دارد. دولت باید فرهنگ را به سمت ارزش‌های اسلامی و انقلابی هدایت کند و از انحرافات فرهنگی جلوگیری کند. ایشان معتقدند که فرهنگ نمی‌تواند به حال خود رها شود، بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و جهت‌دهی است. دولت باید در کنار مردم و نخبگان، فرهنگ را به سمت رشد و تعالی هدایت کند.

۴. تطبیق دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای با لیبرالیسم و سوسیالیسم در عرصه فرهنگ

براین اساس تطبیق ۵ مضمون سازمان دهنده در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای با لیبرالیسم و سوسیالیسم به شرح ذیل است:

۱. رشد فرهنگ

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای رشد فرهنگ، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی است و به مثابه بستری برای تمدن‌سازی اسلامی تعریف می‌شود. فرهنگ مطلوب، شرط لازم برای پیشرفت در سایر حوزه‌ها (اقتصاد، سیاست) است.

در لیبرالیسم رشد فرهنگ عمدتاً بر اساس آزادی فردی و تکثرگرایی تعریف می‌شود. بازار آزاد ایده‌ها و رقابت فرهنگی، محور اصلی است و دولت نقش حداقلی در جهت‌دهی به فرهنگ دارد.

۲. هدایت فرهنگ

آیت الله خامنه ای هدایت فرهنگ به سمت ارزش های اسلامی و انقلابی را ضروری می داند و این مهم را نیازمند برنامه ریزی حکومتی با مشارکت مردم و نخبگان می داند.

لیبرالیسم: هدایت فرهنگ عموماً غیرمستقیم و از طریق مکانیسم های بازار (رسانه ها، مؤسسات خصوصی) صورت می گیرد. دولت در تعیین جهت فرهنگی مداخله نمی کند.

سوسیالیسم: دولت به صورت فعال فرهنگ را به سمت اهداف طبقه ی کارگر هدایت می کند و از ابزارهای آموزشی و تبلیغاتی برای ترویج ایدئولوژی سوسیالیستی استفاده می کند.

۳. نظارت فرهنگ

آیت الله خامنه ای: نظارت برای جلوگیری از انحرافات فرهنگی ضروری است، اما نباید به استبداد فرهنگی یا سرکوب بینجامد. هدف، حفظ سلامت فرهنگی جامعه است.

لیبرالیسم: نظارت فرهنگی عمدتاً محدود به مقابله با محتوای خلاف قانون (مثل خشونت یا نفرت پراکنی) است و اصل بر آزادی بیان است.

سوسیالیسم: نظارت شدید بر فرهنگ برای مقابله با "فرهنگ سرمایه داری" اعمال می شود و رسانه ها معمولاً تحت کنترل دولت هستند.

۴. ساخت فرهنگ

آیت الله خامنه ای: فرهنگ باید مبتنی بر مبانی اسلامی ساخته شود و پویایی خود را حفظ کند. نوآوری فرهنگی در چارچوب ارزش های دینی مجاز است.

لیبرالیسم: ساخت فرهنگ به صورت خودجوش و از طریق تعامل آزاد افراد و گروه ها شکل می گیرد. هیچ الگوی ازپیش تعیین شده ای تحمیل نمی شود.

سوسیالیسم: فرهنگ باید مطابق ایدئولوژی حزب حاکم ساخته شود و در خدمت انقلاب سوسیالیستی باشد. هنر و ادبیات متعهد به آرمان های طبقه ی کارگر است.

۵. ماهیت فرهنگ

آیت الله خامنه ای: فرهنگ، روح جامعه و ترکیبی از مظاهر عینی و شاکله های معنایی است. فرهنگ اصیل اسلامی، محور تحولات اجتماعی است.

لیبرالیسم: فرهنگ بیشتر محصول انتخاب های فردی و تنوع اجتماعی است و هیچ نسخه ی واحدی برای آن وجود ندارد.
سوسیالیسم: فرهنگ، بازتاب روابط تولیدی است و باید در خدمت تغییر ساختارهای طبقاتی باشد.

مضمون	آیت الله خامنه ای	لیبرالیسم	سوسیالیسم
رشد فرهنگ	مبتنی بر اسلام و تمدن سازی	بازار آزاد ایده ها	عدالت محور و دولتی
هدایت فرهنگ	جهت دهی اسلامی با مشارکت مردم	عدم مداخله دولت	هدایت ایدئولوژیک توسط حزب
نظارت فرهنگ	نظارت برای سلامت فرهنگی	حداقلی (فقط قانونی)	کنترل شدید دولتی
ساخت فرهنگ	نوآوری در چارچوب اسلامی	خودجوش و تکثرگرا	ساختارمند و ایدئولوژیک
ماهیت فرهنگ	روح جامعه و تمدن ساز	فردگرا و متنوع	ابزار مبارزه طبقاتی

جدول ۲. تطبیق ۵ مضمون سازمان دهنده در سه دیدگاه

براساس جدول بالا لیبرالیسم فرهنگ را به عنوان یک پدیده ی خودجوش و طبیعی می داند که نیاز به دخالت دولت ندارد. این دیدگاه مخالف هرگونه مهندسی فرهنگ است و معتقد است که فرهنگ باید از طریق تعاملات آزاد افراد شکل بگیرد.

سوسیالیسم فرهنگ را به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی می داند. این دیدگاه از مهندسی اجتماعی کل نگر دفاع می کند و معتقد است که دولت باید به صورت فعال در فرهنگ دخالت کند.

دیدگاه آیت الله خامنه ای فرهنگ را به عنوان یک پدیده ی پویا و زنده می داند که نیازمند رشد، هدایت، و نظارت است. ایشان از مهندسی فرهنگ دفاع می کنند و معتقدند که فرهنگ باید به سمت ارزش های اسلامی و انقلابی هدایت شود. در مجموع این تحلیل نشان می دهد که هر سه دیدگاه به نقش فرهنگ در جامعه توجه دارند، اما در مورد نحوه ی مدیریت و هدایت فرهنگ اختلاف نظر دارند. لیبرالیسم فرهنگ را به حال خود رها می کند، سوسیالیسم آن را در خدمت اهداف اجتماعی قرار می دهد، و دیدگاه آیت الله خامنه ای آن را به سمت ارزش های اسلامی و انقلابی هدایت می کند. بنابراین می توان الگوی مفهومی صورت بندی مقوله مهندسی فرهنگ بر اساس نظرات آیت الله خامنه ای را با الگوی مفهومی ذیل مشاهده نمود:



شکل ۲ الگوی مفهومی صورت بندی مهندسی فرهنگ بر مبنای بیانات آیت الله خامنه ای

این الگوی مفهومی نشان می دهد که مهندسی فرهنگ یک فرآیند چرخشی و پویا است که نیازمند برنامه ریزی دقیق و همه جانبه به شرح ذیل است:

۱. ماهیت فرهنگ: این مرحله شامل تعریف درست فرهنگ است که به عنوان کالبد جامعه است تا به واسطه آن سیر به سمت سایر مراحل انجام شود.
۲. نظارت فرهنگ: این مرحله شامل کنترل و مراقبت از فرآیندهای فرهنگی است تا از انحرافات فرهنگی جلوگیری شود.

۳. هدایت فرهنگ: در این مرحله، فرهنگ جامعه به سمت ارزش های اسلامی و انقلابی هدایت می شود.

۴. ساخت فرهنگ: این مرحله شامل ایجاد و تولید فرهنگ جدید است که با نیازها و شرایط جامعه همخوانی داشته باشد.

۵. رشد فرهنگ: در نهایت، فرهنگ جامعه به سمت رشد و تعالی حرکت می کند و به فرهنگ مطلوب دست می یابد.

در نهایت می توان گفت تاکنون بیشتر بر معنای مهندسی فرهنگ به عنوان کنترل و نظارت فرهنگ توجه شده است و این معنا با بعد انعطاف پذیری فرهنگ کمی در تعارض است. درحالی که آیت الله خامنه ای بر ابعاد رشد و هدایت فرهنگ نیز تأکید دارد که وجه منعطف فرهنگ را مدنظر قرار می دهد تا موانع فرهنگ از بین رود و هدایت فرهنگ به درستی صورت پذیرد.

مهندسی فرهنگ امری است چند مرحله ای که بنا بر آنچه از تحلیل مضامین فوق به دست آمد از نظارت بر فرهنگ شروع می شود و تا رشد فرهنگ ادامه می یابد. از این رو بایستی فرآیندی را در نظر گرفت که به صورت چرخشی باشد و توأمان هم نظارت و هم هدایت و رشد فرهنگ را در برگیرد و به حسب نیاز ساخت فرهنگ را هم در برگیرد و از فرهنگ سوزی فراتر رود. بنابراین فرهنگ موجود را هدایت و به فرهنگ مطلوب یعنی نقطه رشد آن برساند. در این مرحله می توان مرحله ای را هم تحت عنوان تحلیل فرهنگ که پس از ساخت فرهنگ اعمال می شود به کار گرفت.

۷. بحث و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می دهد که مهندسی فرهنگ از دیدگاه آیت الله خامنه ای، یک فرآیند پویا و چندبعدی است که شامل نظارت، هدایت، رشد و ساخت فرهنگ می شود. این ابعاد در تعامل با یکدیگر، چارچوبی را برای مدیریت و توسعه فرهنگ در نظام اسلامی فراهم می کنند. برخلاف دیدگاه های افراطی لیبرالیسم و سوسیالیسم که یا فرهنگ را کاملاً رها می کنند یا به طور کامل تحت کنترل دولت قرار می دهند، رویکرد آیت الله خامنه ای مدلی بینابین ارائه می دهد که ضمن احترام به آزادی های فرهنگی، از طریق هدایت و نظارت، فرهنگ را در مسیر اهداف کلان نظام اسلامی قرار می دهد.

در این تحقیق، مشخص شد که رشد فرهنگ به معنای توسعه بنیان های فکری و معنوی جامعه، هدایت فرهنگ به عنوان جهت دهی به فرآیندهای فرهنگی، نظارت فرهنگ به معنای کنترل و مراقبت از انحرافات فرهنگی و ساخت فرهنگ به معنای ایجاد فرهنگ جدید متناسب با نیازهای جامعه، همگی از عناصر کلیدی مهندسی فرهنگ محسوب می شوند. این رویکرد، نه تنها امکان تداوم و پویایی فرهنگی را فراهم می کند، بلکه از طریق نظارت هوشمندانه، از انحرافات و آسیب های احتمالی نیز جلوگیری می نماید.

همچنین، مقایسه دیدگاه آیت الله خامنه ای با دو رویکرد لیبرالیسم و سوسیالیسم نشان داد که برخلاف لیبرالیسم که فرهنگ را به صورت خودجوش و بدون مداخله دولت می بیند و سوسیالیسم که بر کنترل شدید فرهنگی تأکید دارد،

مهندسی فرهنگ از دیدگاه ایشان به دنبال ایجاد تعادل بین آزادی فرهنگی و نظارت دولتی است. دولت اسلامی در این الگو نه تنها نقش محافظت کننده دارد، بلکه با بهره گیری از اصول اسلامی و انقلابی، فرهنگ جامعه را در مسیر رشد و تعالی هدایت می کند.

یکی از یافته های مهم تحقیق این است که مهندسی فرهنگ نباید تنها به عنوان ابزاری برای کنترل فرهنگ در نظر گرفته شود، بلکه باید به عنوان یک فرآیند توسعه ای که بر رشد، هدایت و ارتقای فرهنگ تمرکز دارد، مطرح گردد. برای تحقق این امر، همکاری دولت، نخبگان فرهنگی و جامعه ضروری است. در این راستا، برنامه ریزی دقیق، مشارکت مردمی و توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه، از عوامل کلیدی موفقیت مهندسی فرهنگ خواهد بود.

همچنین به سوالات مطرح شده در ابتدای تحقیق نیز به شرح ذیل پاسخ داده شد:

۱. مهندسی فرهنگ چیست و چه مفاهیمی در این حوزه با آن مرتبط هستند؟

مهندسی فرهنگ یک فرآیند سیستماتیک و چندبعدی است که شامل نظارت، هدایت، رشد و ساخت فرهنگ می شود. این مفهوم با مفاهیمی همچون مدیریت فرهنگ، سیاست گذاری فرهنگی و توسعه فرهنگی در ارتباط است.

۲. اداره فرهنگ در سطح حاکمیتی و دولتی چگونه باید باشد و جایگاه مهندسی فرهنگ در این میان چیست؟

مهندسی فرهنگ از دیدگاه آیت الله خامنه ای، نیازمند تعامل بین دولت، نخبگان و جامعه است. دولت باید نقش هدایت گر و نظارت کننده داشته باشد، بدون آنکه منجر به سرکوب خلاقیت های فرهنگی شود.

۳. مهندسی فرهنگ در چه سازوکاری صورت می پذیرد و چه مراحل دارد؟

مهندسی فرهنگ یک فرآیند چرخشی و پویا است که از نظارت آغاز شده و با هدایت، ساخت و رشد فرهنگ ادامه می یابد. این فرآیند نیازمند برنامه ریزی دقیق و مشارکت فعال ذی نفعان فرهنگی است.

پیشنهاد می شود محققان بعدی برای تکمیل این مقاله موارد ذیل را بررسی کنند:

۱. بررسی نقش مشارکت نخبگان فرهنگی در فرآیند مهندسی فرهنگ

۲. تحلیل تطبیقی مهندسی فرهنگ در ایران با سایر مدل های فرهنگی در کشورهای اسلامی

۳. ارزیابی اثرات سیاست های مهندسی فرهنگ بر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه

۴. ارائه مدل های بومی برای اجرای مهندسی فرهنگ در بخش های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

در نهایت، می توان نتیجه گرفت که مهندسی فرهنگ در نظام اسلامی باید به گونه ای طراحی شود که ضمن حفظ هویت فرهنگی جامعه، زمینه را برای پویایی، نوآوری و پیشرفت فرهنگی فراهم سازد. اتخاذ رویکردی که هم از هرج و مرج

فرهنگی جلوگیری کند و هم مانع از استبداد فرهنگی شود، می تواند الگویی مناسب برای مدیریت فرهنگی در جوامع اسلامی و حتی فراتر از آن باشد.

منابع

قرآن کریم.

- ابوالقاسمی، محمدجواد (۱۳۸۵)؛ شناخت فرهنگ، تهران، انتشارات عرش پژوه.
- استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰) مقدمه ای بر نظریه های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، تهران: گام نو.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۶) دانشنامه ی سیاسی، تهران: مروارید.
- آقاسی، آناهیتا، بنی هاشمی، سید محسن و عقیلی، سید وحید (۱۴۰۰). تحلیل مضمون هویت فرهنگی در اندیشه آیت الله سید علی خامنه ای، فصلنامه علمی نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۱(۲). ۱۵۵-۱۷۶.
- فرهی بو زنجانی، برزو. فرهنگ سازمانی و استاندارد سازی رفتار، همایش استاندارد سازی رفتار پلیس، پائیز ۱۳۸۵
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹) نظریه های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: نشر طلوع.
- پوپر، کارل (۱۳۹۶) جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
- پولادی، کمال (۱۳۸۳) تاریخ اندیشه ی سیاسی در غرب (قرن بیستم)، تهران: نشر مرکز.
- جهان بین، فرزاد (۱۳۹۸) باغبانی فرهنگ، تهران: نهضت نرم افزاری.
- فرزاد، جهان بین. (۱۳۹۷). باغبانی فرهنگ؛ مدیریت فرهنگ در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی). فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۳)، ۱۰۳-۱۲۶.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۸). بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، بازیابی شده در تاریخ (۱۴۰۳/۱۲/۷)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، Khamenei.ir
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۰). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، بازیابی شده در تاریخ (۱۴۰۴/۲/۲۶)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، Khamenei.ir
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۳). بیانات در حرم مطهر رضوی، بازیابی شده در تاریخ (۱۴۰۳/۱۲/۷)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، Khamenei.ir
- خسروی، زارگز، بخشی، سمیه، بازیابی پیکره فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری، پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۲۱، ۱۳۹۶: ۱۷۵ تا ۱۹۹.
- دیویس، استنلی (۱۳۷۶) مدیریت فرهنگ در سازمان؛ ترجمه ناصر میرسپاسی و پریچهر معتمدگرچی، تهران: مروارید.
- صفریگی، ح.، میرزازاده احمد بیگلو، ف.، و کمالی زاده، م. (۱۴۰۱). نسبت مفهوم فرهنگ و تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی ایران. آمایش سیاسی فضا، (1) 5.

- صمدیان، زهره و شفیعی فینی، علی . (۱۳۹۳). واکاوی مفهوم مهندسی فرهنگی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری. پژوهش های اجتماعی اسلامی 20 (103): 3-22.
- فوزی، ی؛ و بصیرنیا، غ. (۱۳۸۷). مبانی نظری دو رویکرد سلبی و ایجابی به مهندسی فرهنگی در ایران پس از انقلاب. مطالعات انقلاب اسلامی، ۴(۱۵)، ۲۱۳-۲۳۴.
- مهرآیین، مصطفی، تحلیل متن در اندیشه ژولیا کریستوا، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۷۱، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۶.
- ناظمی اردکانی، مهدی، فرهی بوزنجانی، پیروزمند، علیرضا، (۱۳۸۶) مقدمه ای بر: تعیین اصول و روش مهندسی فرهنگی کشور، ناظر حسن علی اکبری، تهران: کمیسیون دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور.
- ناظمی اردکانی، مهدی، مفهوم شناسی مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور، مصباح، ۷۵، ۱۳۸۷: ۸۵-۱۱۶.
- یوسفی، بتول و قربانی تازه کندی. سعید . (۱۴۰۰). فرهنگ و شکل گیری تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله العظمی خامنه ای با بهره گیری از روش تحلیل مضمون. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۱(۴۰)، 99-129.
- Braun, Virginia & Clarke, Victoria(2006), "Using Thematic Analysis in Psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol.3, No.2: 77-101.
- Tylor, Edward Burnett (2012) Primitive Culture: Researches Into The Development Of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art And Custom, New York: Nabu Press.
- Gray, C. (2006). Managing the Unmanageable: The Politics of Cultural Planning. Public Policy and Administration, 21(2), 101-113.
- Baikov, E., Enikeeva, L., Bulochnikov, P., & Kuzmina, S. (2020). Organizational and economic mechanism for managing the development of the cultural sphere of the russian regions in the digital economy.
- Khachatryan, R., & Makaryan, M. (2024). Transforming Organizational Culture in Higher Education Institutions in the Republic of Armenia: a Management Model. Kachar. <https://doi.org/10.54503/2579-2903-2024.2-104>
- Fedorova, Z. V. (2022). On the mechanisms of socio-cultural engineering in the information society. KANT, 43(2), 195-199. <https://doi.org/10.24923/2222-243x.2022-43.34>